روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

چهارشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۱_ ۱۲ محرم ۱۴۴۴_ ۱۰ آگوست ۲۰۲۲- شماره ۱۹۹۴ _ سال هفتم

۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۱۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیاز , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: فضل‌الله یاری

چاپ: صمیم ۰۲۱ - ۴۴۵۳۳۷۲۵ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد۳

تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ _ ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

یادداشت

در باب بازار خارج از نظارت ترجمه

صبورا جلالی

مترجم ادبیات داستانی

گمان می‌کنم آنچه در این یادداشت بیان می‌دارم، حرف دل خیلی از مترجم‌ها باشد. در آغاز مهم‌ترین پرسش این است که یک مترجم پس از فارغ‌التحصیل شدن باید روی چه پله‌ای قدم بگذارد که با مشکلات بعدی و بعدی مواجه نشود؟ من خودم به یاد می‌آورم حدود دو سال بعد از فارغ‌التحصیلی، مدام دنبال نور امیدی بودم تا بتوانم به هدفم برسم. به کار ترجمه‌ی کتاب علاقه داشتم و به‌هرحال درس این رشته را خوانده بودم و توقع داشتم به‌محض فارغ‌التحصیلی شروع به کار بکنم، ولی واقعاً نمی‌دانستم چگونه، چطور و از چه طریقی؛ بنابراین شروع کردم به جست‌وجوی سایت‌های ناشرانی که نیاز به همکار مترجم داشتند و آن‌ها هم از من تست می‌گرفتند تا بالاخره نشر «نوین» سرآغاز کار من شد و توانستم کتابی با عنوان «ما آواره‌ایم» را از «ملاله یوسف زی» ترجمه بکنم و به چاپ برسانم.

مدتی بعد نشر «کوچه لیلی» به من لطف داشتند و ترجمه کتاب «ماندن یا ترک‌کردن» اثر «آلن دوباتن» را به من سپردند و در ادامه افتخار همکاری با نشر نفیر و مرحوم «امیرحسین میرزائیان» گرامی را داشتم که در درجه اول لطف خداوند شامل حالم بود که چنین سعادتی نصیبم شد و این همکاری جزو بهترین خاطرات بنده است که با چنین نشر و مدیرمسئول خوبی مثل خانم «سمانه رزاقی» و دبیر مجموعه کاردرست و بااخلاقی مثل آقای میرزائیان عزیز ـ که روحشان شاد ـ آشنا شدم و سه کتاب ارزشمند از خلاصه‌های کلاسیک ادبیات جهان به نام‌های «جنایت و مکافات»، «جین ایر» و «بلندی‌های بادگیر» را ترجمه کردم. این کتاب‌های کلاسیک که به زبان‌اصلی خلاصه‌شده بودند، برای ترجمه به من و همکاران دیگر سپرده شدند. در حال حاضر هم کتابی در دست ترجمه دارم که مشغول به انجام رساندن آن هستم.

درخواستی که به‌عنوان مترجم دارم این است، همان‌طور که می‌دانیم اخیراً چند سالی است صنف مترجمان تهران ایجادشده و چقدر خوب‌تر می‌شد که بخشی در این صنف وجود داشت تا با برگزار کردن آزمونی یا به هر شکلی که صلاح می‌دانند، مترجمان کاربلد و علاقه‌مند به این حرفه را از مترجمان ناکارآمد مجزا می‌کردند و به این صورت، هم مترجمان حرفه‌ای می‌توانستند اعتباری برای خود کسب بکنند و با خیال راحت به سراغ ناشران بروند، هم ناشران می‌توانستند با خیال آسوده به توان‌مندی آن مترجم اعتماد و با او همکاری بکنند. به‌این‌ترتیب دست دلالان سودجو کوتاه می‌شد و مترجمان سردرگم نمی‌شدند و حداقل این آگاهی را داشتند که بعد از فارغ‌التحصیلی و به دست آوردن دانش کافی، در چه مسیری گام بردارند تا به هدف خود نزدیک‌تر بشوند؟ ازآنجاکه برخی دلالان سودجو به‌جای این‌که کتاب خوب را به مترجم کارآمد بسپارند، با دادن پیشنهاد مبلغی ناچیز که از حد استاندارد نیز پایین‌تر است یا گاهی به‌صورت رایگان از مترجمان سؤاستفاده می‌کنند، پرواضح است مترجم کارآمد با چنین پیشنهادی موافقت نخواهد کرد.

به‌هرحال مترجم بنا بر تلاش و زحمت و فکری که می‌گذارد، حق خود می‌داند که از حقوقش دفاع بکند و این‌گونه با رد پیشنهادها، عرصه را برای مترجم ناکارآمد باز می‌گذارد! این یکی از معضلاتی است که خیلی نادیده گرفته شده و چه بسیار مترجمان کاردرستی که هنوز فرصتی در اختیارشان قرار نگرفته تا به عرصه نشر و ترجمه معرفی بشوند. به امید آن‌که معضل پیشِ روی مترجمان جوان و کاربلد برطرف بشود.

حافظه تاریخی

روزی که خبرنگاران رییس‌جمهور آمریکا را رسوا کردند

رسوایی واترگیت و کناره گیری «ریچارد نیکسون»

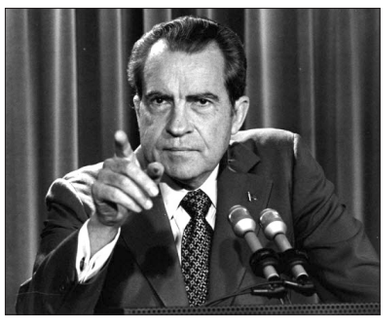

در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۱۹۷۲ م، افرادی از حزب جمهوری‌خواه وارد ستاد مرکزی انتخابات حزب رقیب یعنی حزب دموکرات در ساختمان هتل واترگیت واشینگتن شدند. رسوایی واترگیت به سال‌های ۱۹۷۲ - ۱۹۷۵ برمی‌گردد و در هتلی به نام واترگیت در واشنگتن اتفاق افتاد که منجر به استیضاح و سپس کناره‌گیری ریچارد نیکسون شد. در جریان تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۱۹۷۲ م، افرادی از حزب جمهوری‌خواه وارد ستاد مرکزی انتخابات حزب رقیب یعنی حزب دموکرات در ساختمان هتل واترگیت واشینگتن شدند. این افراد علاوه بر سرقت بخشی از اسناد و مدارک، در این محل، میکروفون‌های مخفی را برای استراق سمع کار گذاشتند. این ماجرا پس از پیروزی نیکسون در انتخابات سال ۱۹۷۲ م. از طرف دو روزنامه‌نگار آمریکایی کشف و جریان آن در روزنامه واشنگتن‌پست منتشر شد. کار به کنگره و دیوان عالی کشور کشید و نیکسون در برابر اتهامات وارده مبنی بر اطلاع از این کار و صدور مجوز آن، نقش خود را در این ماجرا به‌کلی انکار کرد. وی حتی کسانی را که متهم به شرکت در این قضیه شده بودند از مقامات خود منفصل کرد، ولی مقامات برکنار شده، در جریان رسیدگی به این ماجرا در کنگره و مراجع قضایی شواهد غیرقابل‌انکاری از دخالت و اطلاع شخص رئیس‌جمهور در این قضیه ارائه دادند.

نیکسون سرانجام اعتراف کرد که از این داستان اطلاع داشته و چون در خطر استیضاح و برکناری از مقام ریاست جمهوری قرار گرفت، پیش‌دستی کرد و در روز نهم اوت ۱۹۷۴ م. به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور در تاریخ امریکا، از مقام خود استعفا داد. بعدها مشخص شد که چنین اقداماتی قبلاً مکرراً انجام گرفته بوده است و تحقیقات بعدی نشان داد که عمق این‌گونه فعالیت‌های جاسوسی بسیار گسترده بوده است. گرچه استعفای نیکسون، روند استیضاح را متوقف کرد، اما درعین‌حال به پیگیری‌های قضایی پایان نداد.

در جریان رسوایی واتر گیت، رئیس‌جمهوری وقت ایالات‌متحده آمریکا به سه جرم متهم شد: جلوگیری از عدالت، سوءاستفاده از قدرت و نهایتاً تحقیر کنگره. پس از وی جرالد فورد معاون نیکسون تا پایان دوره چهارساله ریاست جمهوری جانشین او شد. اولین اقدام فورد در مقام ریاست جمهوری عفو نیکسون و صدور دستور منع تعقیب وی بود که بدین‌وسیله نیکسون را از مجازات رهایی بخشید. در دو سال زمامداری فورد سایه واترگیت بر سر حکومت وی و حزب جمهوری‌خواه سنگینی می‌کرد و همین ماجرا و خاطرات تلخی که مردم آمریکا از آن داشتند باعث شکست سنگین آنان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۷۶ م. شد. دولت آمریکا پس از چهل سال جزییات رسوایی واترگیت مبنی بر ارتباط ریچارد نیکسون با این حادثه را منتشر کرد. دولت آمریکا با انتشار اسناد تازه‌ای از پرونده رسوایی سیاسی واترگیت که مشتمل بر بیش از ۸۵۰ صفحه می‌شود، به جزییات جدیدی درباره ارتباط «ریچارد نیکسون» رئیس‌جمهور وقت ایالات‌متحده با این حادثه اشاره کرده است. یک قاضی فدرال آمریکا پیش‌ازاین در اوایل ماه نوامبر تصمیم گرفته بود تا جزییات کاملی از این پرونده را منتشر کند، اما بعضی از اسناد محرمانه همچنان سربه‌مهر باقی‌مانده است. اسناد سازمان آرشیو ملی آمریکا نشان می‌دهد که قاضی «جان جی. سیریکا» در سال ۱۹۷۲ کمک‌های بسیاری به پیگیری ارتباط مقامات کاخ سفید با حادثه سرقت از ستاد انتخاباتی حزب دموکرات در هتل واتر گیت کرده بود. سیریکا به دادستان ویژه این پرونده، اطلاعاتی از اعترافات یکی از سارقان متهم در این پرونده ارائه کرده بود که وی در آن اعتراف کرده بود به دستور مقامات دولت نیکسون وارد این ماجرا شده است. تعدادی از متهمان این پرونده پیش‌ازاین هرگونه دخالت کاخ سفید را در این جریان تکذیب کرده بودند. این اسناد برای مورخان برای ثبت جزئیات پشت‌صحنه این پرونده ۴۰ساله بسیار مفید خواهد بود.

نقد ادبی

نگاهی به رمان «کوه مرگی» نوشته«حسین عباس زاده»

سربازی که می‌توانست کوه باشد!

مهناز رضایی (لاچین)

منتقد ادبی

داستان «کوه‌مرگی» دو روایت را پیش می‌برد؛ گذشته‌ای دورتر (یکی دو دهه پیش) و گذشته‌ای نزدیک‌تر. شروع و پایان یک ماجرا.وضعیت اولیه، رویارویی دو نفر که هر یک برای دیگری متعلق به صف دشمن است؛ در بازیِ جنگ؛کشتن یا کشته‌شدن. از همان ابتدای داستان، نیروهای ایرانی را تنها در حال مقابله با دشمن می‌بینیم، نه در موقعیت حمله ـ اشاره‌ای پنهان به خوی تجاوزگری که سبب آغاز جنگ شد. تک‌تیرانداز عرب باید به سزای عملش برسد اما به‌رغم خواست سربازان ایرانی، چنین نمی‌شود؛گویی دشمن سخت‌جانتر ازآن چیزی است که تصور می‌شود. کتاب پُر است از این اشارات غیرمستقیم؛ نگاهی قرین به واقعیت که در بسیاری از آثار داستانی و سینمایی، به‌ویژه در سال‌های اولیه پس از جنگ، در نظر گرفته نشد. به یاد داریم که در این دست آثار، نیروهای ایرانی، اهورایی و قهرمان بودند اما در «کوه‌مرگی» نامساعدبودن شرایط برای جبهه ایران و نیز مسامحه‌ها، به چشم می‌آید. جایی که دسترسی به نیروهای پشتیبان ممکن نیست و دشمن، سربازان ایرانی را به سهولت اسیر می‌کند، مجال می‌یابیم که از زاویه‌ای دیگر معضلات دوران جنگ را ببینیم، زیرا هرلحظه از این تجربه تاریخی همراه با توفیق نبوده و کم‌وکاستی‌ها و بالا و پست‌هایی وجود داشته است. دیدن زوایایی از واقعیات جنگ، این اثر را به نگاه منصفانه نزدیک کرده اما امکانِ شکست و پیروزی جای دیگری رقم می‌خورد. روح شریفِ سرباز ایرانی در این داستان جریان دارد. همراهی بافرمان ناخودآگاهی که چاقوی انتقام را به زمین می‌کوبد و دستان را نه به‌سوی ادامه روند کشتار،که به سمت احیا و نجات بشر هدایت می‌کند. اینجاست که سرباز ایرانی شایستگی‌های خود را همچون یک قهرمان راستین به نمایش می‌گذارد. این کتاب به‌رغم دست‌آویز قراردادن موضوع جنگ و خشونت آن، داستانی انسانی را به نمایش می‌گذارد. ادبیات می‌کوشد ما را به آدمیت خویش اشارت بدهد و غبار فراموشی را از ارزش‌های اخلاقی و نوع‌دوستانه بزداید. نگاه حسین عباس زاده به جهان و مقولاتش، انسانی و نجیبانه است. نکته دیگر اینکه دانشِ داستانیِ نویسنده و تسلط او بر ارکان و عناصر داستان در «کوه‌مرگی» آشکار است و ازاین‌رو داستانی خلق‌شده که بی‌هیچ گردنکشی و ادعایی، راهش را به‌روشنی می‌شناسد.

این اثر به زیباترین وجه ممکن نام‌گذاری شده است. «کوه‌مرگی» نه‌تنها با بستر رویدادها ارتباط برقرار می‌کند، بلکه ذهن را به معانی ضمنی بسیاری ارجاع می‌دهد. عنصر کوه، ابتدا و پایان داستان را به هم متصل می‌سازد و از سویی به‌نوعی پرت شدن از بلندا توجه می‌دهد. در اولین برخوردِ خواننده با طرح و رنگ جلد (رنگ لباس سربازان)، این نام بر اساس الگوهای آشنا، مرگ و درهم‌شکستن یک قهرمان جنگی را در ذهن تداعی می‌کند، لیک کتاب را که می‌بندید، لذت کشف وجه و تناسبی دیگر بین نام‌گذاری و خود اثر، پدیدار می‌شود.آغاز فصل اول همراه است با پرتاب‌شدگی در ماجرا. داستان فرصت نمی‌دهد که خواننده دست‌وپای خود را جمع بکند؛ حرف از کشتن و کشته شدن است و قطعیتی در تصمیم. این‌یک شروع خوب و غافل‌گیرانه است. ارتباط کلی فصل‌های داستان، به‌پیش زمینه و پس زمینه‌بودن ماجراها برمی‌گردد، لیک ارتباط دیگری هم بین فصل‌ها دیده‌شده. گاهی صحنه پایانی فصلی با صحنه آغازین فصل بعد ـ باوجود تعلق هر یک از صحنه‌ها به برهه زمانی متفاوت ـ ارتباط، مشابهت و هم‌بستگی پیدا می‌کند و زیبایی روایت و نرمی انتقال و رفت‌وشد بین دو زمان را سبب می‌شود. به این نمونه‌ها توجه کنید:ـ جواب خون‌هایی رو که ریخته بود داد=مرگ تک‌تیرانداز/پایان فصل یک؛ـ در چارچوب در ایستاد و مستقیم به من نگاه کرد=حضور قاطع تک‌تیرانداز/ آغاز فصل دو؛ـ چشم به آسمان سیاه شب دوختم. همه‌جا سیاه بود=شب/پایان فصل پنج؛ـ با خودم گفتم دیشب چه شبی بود؛ یک کابوس بود=شبی سپری‌شده/ آغاز فصل شش؛ـ وقتی به هوش آمدم در بیمارستان بودم=راوی نیاز به مداوا دارد/آغاز فصل هفت؛ ـ یک قاب پنجره کوچک که همیشه هم نمی‌شد آن قاب را داشت/پایان فصل نهم؛ ـ عکس توی دستم بود=عکس دسته‌جمعی یاران شهید که دیگر نمی‌توان آن‌ها را داشت/ آغاز فصل ده؛ ـ سرم داشت می‌ترکید. یک بسته قرص خواب‌آور گرفتم. از دیروز عصر تا الان خوابیده بودم./اواخر فصل شانزده؛ـ یک ساعت دیگر باید توی اتاق عمل باشم.=راوی عملاً دکتر شده است/ آغاز فصل هجده. نکته پایانی اینکه سربازی جنگ‌دیده و به‌نوعی از هستی ساقط‌شده و محروم‌شده از عشق و زندگی، حامل حس حیات‌بخشی می‌شود و این خودِ خصم است که در خود می‌شکند و از خود گریزان، به بودن و اصرار بر ماندن خود پایان می‌دهد؛ مرگی حقیرانه، چراکه او در مسیر نابودی خود به‌واسطه بیماری و ضعف جسمی قرار دارد و نمی‌توان این اقدام را نوعی ندامت عبرت‌آموز تلقی کرد. آدمی که می‌توانست کوه باشد، به وجود درهم‌شکسته‌ای بدل می‌شود که دیگر هیچ شباهتی با کوه ندارد و این نمودِ هر دو سوی ماجراست. لیک این سرباز ایرانی (راوی) است که تکه‌های بندزده وجود خود را به دوش می‌کشد و در سویه حیات قدم برمی‌دارد و تک‌تیرانداز، آخرین تیر خلاص را در پیشانی زیست حقیرانه خود خالی می‌کند.

چهره

دونده‌های سرعت ایران پیست قونیه را به تسخیر خود درآوردند

فرزانه فصیحی و حسن تفتیان رکورد زدند

در جریان مرحله مقدماتی دوی ۱۰۰متر بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی، حسن تفتیان و فرزانه فصیحی موفق شدند رکوردهای فوق‌العاده‌ای از خود به‌جا بگذارند. سال‌های سال بود که بشر به دنبال دویدن ۱۰۰متر در زیر ۱۰ثانیه بود و بالاخره در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی این جیمز هاینس آمریکایی بود که توانست با ثبت زمان ۹ثانیه و ۹۵صدم ثانیه تبدیل به نخستین انسانی شود که به این حدنصاب می‌رسد. حالا و ۵۴سال پس‌ازآن اتفاق تاریخی، یک ایرانی آن‌هم در قونیه ترکیه موفق شد که ۱۰۰متر را زیر ۱۰ثانیه بدود: حسن تفتیان با ۸۸,۹ثانیه. ۲۹سال پیش که پسری به نام حسن تفتیان در تربت‌حیدریه چشم به جهان گشود، دویدن ۱۰۰متر در زیر ۱۰ثانیه برای سفیدپوستان جهان رؤیایی بیش نبود. پسر بادپای ایران اما قدم‌به‌قدم مراحل پیشرفت را طی کرد و از طلای جوانان آسیا و نهمی جوانان جهان شروع کرد و تا قهرمانی ۱۰۰متر آسیا و رسیدن به نیمه‌نهایی المپیک ریو پیش رفت. او که سال‌هاست رکورد دار سرعت ایران است، ابتدا با ۱۰. ۱۰، سپس با ۱۰.۰۴ و بعدازآن با ۱۰.۰۳ به این آرزوی دیرینه نزدیک شد اما سرنوشت برای او این‌گونه رقم‌زده بود که زمانی به این رکورد تاریخی برسد که زیر بار شدیدترین انتقادها باشد. تفتیان که پس از سال ۲۰۱۸ و پنجمی دوی ۶۰متر جهان، درخشش چندانی نداشت، حالا نه یک یا دوصدم ثانیه بلکه دوازدهم صدم ثانیه زیر ۱۰ثانیه دوید تا تمامی علاقه‌مندان به دوومیدانی را انگشت‌به‌دهان بگذارد؛ اما یک مشکل، مانع از ثبت این رکورد تاریخی شد و آن‌هم سرعت زیاد باد بود. سرعتی که از حد مجاز آن یعنی دو متر بر ثانیه بیشتر بود تا حسرت بزرگی بر دل تفتیان باقی بگذارد. اگر سرعت زیاد باد جلوی ثبت این رکورد ۹ثانیه و ۸۸صدم ثانیه‌ای که حسن تفتیان امروز بعدازظهر در مرحله مقدماتی بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی در قونیه ترکیه بر جا گذاشت را نمی‌گرفت، یکی از بهترین رکوردهای تاریخ آسیا به ثبت می‌رسید که تنها با ۵صدم ثانیه با رکورد آسیا که سو بینگ تیان چینی یک سال پیش در نیمه‌نهایی المپیک توکیو به ثبت رساند، فاصله داشت. رکوردی که اگرچه فاصله ۳۰صدم ثانیه‌ای با حدنصاب ۹ثانیه و ۵۸ثانیه‌ای یوسین بولت داشت اما او را در بین بهترین‌های تاریخ این ماده قرار می‌دهد. حال باید منتظر ماند و دید که پسر اهل تربیت حیدریه، در نیمه‌نهایی و فینال این رقابت‌ها می‌تواند باز هم زیر ۱۰ثانیه بدود و رقبای سرسخت خود را پشت سر بگذارد یا خیر؟ اما این تنها اتفاق مهمی نبود که آسمان قونیه شاهد آن بود؛ دیگر دونده ۲۹ساله ایران یعنی فرزانه فصیحی نیز در خط استارت مرحله مقدماتی دوی ۱۰۰متر زنان قرار گرفت. دونده اصفهانی که با شرکت در المپیک توکیو، تبدیل به نخستین بانوی ایرانی شد که بعد از انقلاب در دوی ۱۰۰متر المپیک حضور پیدا می‌کند، حدنصاب فوق‌العاده ۱۱ثانیه و ۲۴صدم ثانیه را به ثبت رساند. او که کمتر از دو ماه پیش در یک تورنمنت بین‌المللی در بورسای ترکیه توانسته بود پس از ۸سال رکورد مریم طوسی را یک‌صدم ثانیه ارتقا داده و به ۱۱. ۴۴ برساند، این بار نیز در ترکیه زمانی را از خود بر جای گذاشت که ۲۰صدم ثانیه سریع‌تر از رکورد قبلی خودش بود اما سرعت زیاد باد مانع از این شد که رکورد ملی ایران در بخش زنان نیز جابه‌جا شود.

دریچه

جزئیات سعدی

کس عیب نظر باختن ما نکند
زیرا که نظر داعی تنها نکند
بیکار بهیمه‌ای و کژ طبع کسی
کو فرق میان زشت و زیبا نکند

مشق کلمات

اتالوناژ:
از اصطلاحات سینمایی و به معنی اصلاح رنگ در مرحله نهایی تدوین است.

مجازستان

■ وقتی از چیزی ناراحت هستیم حرف بزنیم، حرف، راحت‌تر نیست تا ادا اطوار و تیکه انداختن؟ تازه یکی مثل من اصلا متوجه شاید نشه داری با کنایه حرف می‌زنین.
(اُرنج الِف)

■ یه جایی هم هست که یکی رو می‌کنَه به سمتت و راجع به یه موضوعی اظهار نظر می‌کنه و تو از اونجایی که هیچ موضعی در مورد اون موضوع نداری، در جواب فقط لبخند می‌زنی و می‌گی: «آها جالبه» ولی در واقع اصلا جالب نیست و موقعیت احمقانه‌ایه. **(امیر)**

■ بزرگ میشی میخندی هم چرته. من هنوز هم به مشکلات دوازده سیزده سالگیم فکر می‌کنم میتونم تا بند اومدن نفسم برای اون خود طفلکم گریه کنم. **(pechi)**

■ به بچه هاتون از همون اول یاد بدید قرار نیست همه چی برا اونا باشه تا چهار روز دیگه یکی اینو نکوبونه تو صورتشون:) **(مرلینِ ممد)**

فناوری

توسط سایوز روسی صورت گرفت؛
پرتاب ماهواره ایرانی «خیام» به فضا

یک موشک سایوز روسی ماهواره ایرانی خیام را به مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین برد و بر اساس اعلام سازمان فضایی ایران قبل اولین داده از ماهواره دریافت شد. ماهواره ایرانی خیام صبح دیروز و در ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه از مقر فضایی بایکونور در قزاقستان به فضا پرتاب شد.

این ماهواره با وزن ۶۰۰ کیلوگرم ماهواره‌بر سایوز به مدار ۵۰۰ کیلومتری زمین پرتاب شد. عمر عملیاتی این ماهواره ۵ سال اعلام شده است. بر اساس اعلام سازمان فضایی ایران، مراحل اولیه پرتاب با موفقیت سپری شده است و خیام هم اکنون در حال انتقال با بلوک انتقال مداری به مدار نهایی خود یعنی مدار ۵۰۰ کیلومتر است.

همچنین این سازمان اعلام کرد: لحظاتی قبل اولین داده تله متری ماهواره خیام در ایستگاه‌های زمینی این ماهواره در پایگاه‌های فضایی سازمان فضایی ایران در ماهدشت دریافت شد. ماهواره خیام یک ماهواره سنجش از دور است که تمامی فرامین مربوط به کنترل و بهره‌برداری از این ماهواره از روز اول و بلافاصله پس از پرتاب توسط کارشناسان ایرانی مستقر در پایگاه‌های فضایی متعلق به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در خاک جمهوری اسلام ایران انجام و صادر خواهد شد.

مرکز کنترل عملیات ماهواره، ارسال فرامین و ایستگاه‌های اخذ داده‌های ماهواره‌ای ماهواره خیام تنها در خاک جمهوری اسلامی ایران و تحت مدیریت سازمان فضایی ایران است و مهندسین و محققین ایرانی در آن مستقر هستند.

با توجه به فعالیت‌ها و اهداف صرفاً صلح‌آمیز و غیرنظامی سازمان فضایی ایران، تصاویر ماهواره خیام برای ارتقا توانایی مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در حوزه‌های مختلف کشاورزی، منابع طبیعی، محیط‌زیست، منابع آبی، معادن و پایش مرزها، مدیریت حوادث غیرمترقبه و ... استفاده می‌شود و نیروهای دفاعی کشور برای رفع نیازهای خود مسیرهای اختصاصی و منحصربه‌فرد خود را به لحاظ فنی و راهبردی پیگیری می‌کنند.

دنیای علم

یک طوفان خورشیدی با سرعت ۶۰۰ کیلومتر بر ثانیه به زمین برخورد کرد

دانشمندان زیادی در تلاش هستند تا فعالیت‌های خورشید را زیر نظر بگیرند، اما ستاره منظومه شمسی هنوز گاهی اوقات می‌تواند ما را غافلگیر کند. به‌تازگی یک طوفان ژئومغناطیسی از دسته G۲ که با سرعت ۶۰۰ کیلومتر بر ثانیه حرکت می‌کرد، به زمین خورده و برخی از ماهواره‌ها احتمالاً باید مسیر خود را اصلاح کنند.

بر اساس گزارش‌ها، یک طوفان خورشیدی روز یکشنبه با سرعتی معادل ۶۰۰ کیلومتر بر ثانیه به زمین برخورد کرد. ذراتی که از خورشید جدا شده بودند، در ابتدا سرعت کمی داشتند اما رفته رفته شتاب بیشتری پیدا کردند و در نهایت به‌عنوان یک طوفان ژئومغناطیسی با توان متوسط به زمین رسیدند.

مرکز پیش‌بینی آب‌وهوای فضا طوفان‌های خورشیدی را بین پنج دسته G۱ تا G۵ تقسیم می‌کند و G۱ ضعیف‌ترین آن‌هاست. این طوفان در دسته G۲ قرار می‌گیرد. طوفان‌های G۲ می‌توانند در یک چرخه ۱۱ ساله خورشیدی حدود ۶۰۰ بار رخ دهند.

این طوفان‌ها قادرند هشدار ولتاژ را در سیستم‌های برق در عرض‌های جغرافیایی بالا فعال کنند. وقتی طوفانی با این سطح از توان برای مدت طولانی زمین را تحت تاثیر قرار می‌دهد، احتمال ورود آسیب به ترنسفورمرها مطرح می‌شود.